

سرگذشت اندیشه بشر

تاریخ تکامل ذهن انسان

حمید ظروفچیان



• کلیات بحث.

• ۱. تعاریفات؛

تاریخ فکر بشر

• ۲. نمای کلی جلسات؛

* سیر اندیشه انسان

از سومر تا یونان

جلسه اول

تئوری های نژاد انسان



زندگی همزمان سه گونه بشر حدود ۷۰ هزار سال پیش تا ۳۰ هزار سال پیش.
نیای مشترک این سه گونه در آفریقای شرقی بوده.

انسان راست قامت (HOMO ERECTUS)

محل زیست جغرافیایی: شرق آسیا

انسان راست قامت یکی از گونه‌های انسانی منقرض می باشد که در دوره پلی‌ستوسن از ۱۴۳ هزار سال تا ۱٫۹ میلیون سال پیش زندگی می کرد. مطالعه فسیل ها حاکی از آن است که انسان راست قامت در **آفریقا** پدیدار شد و در **هندوستان، چین، گرجستان و جاوه** گسترش پیدا کرد.

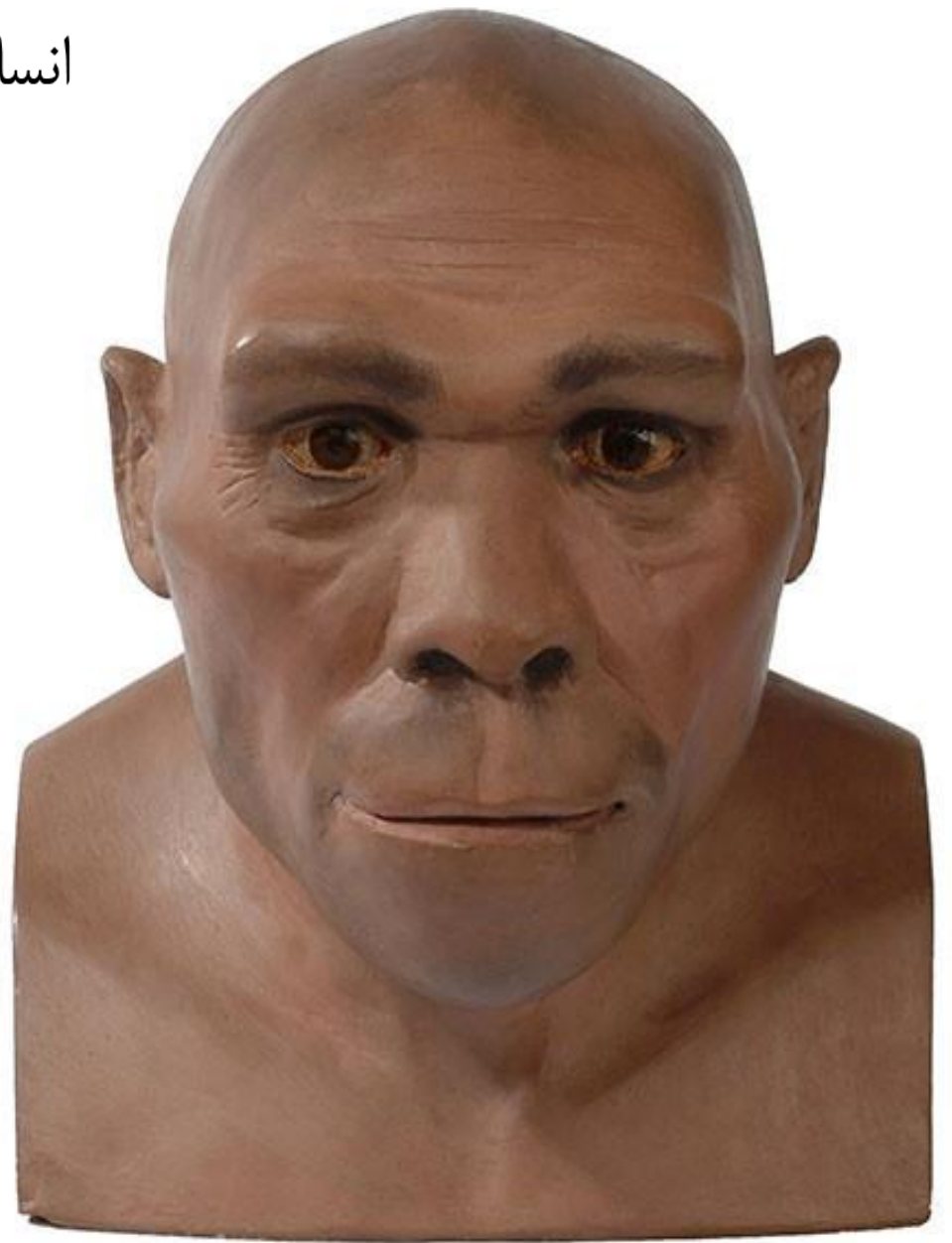
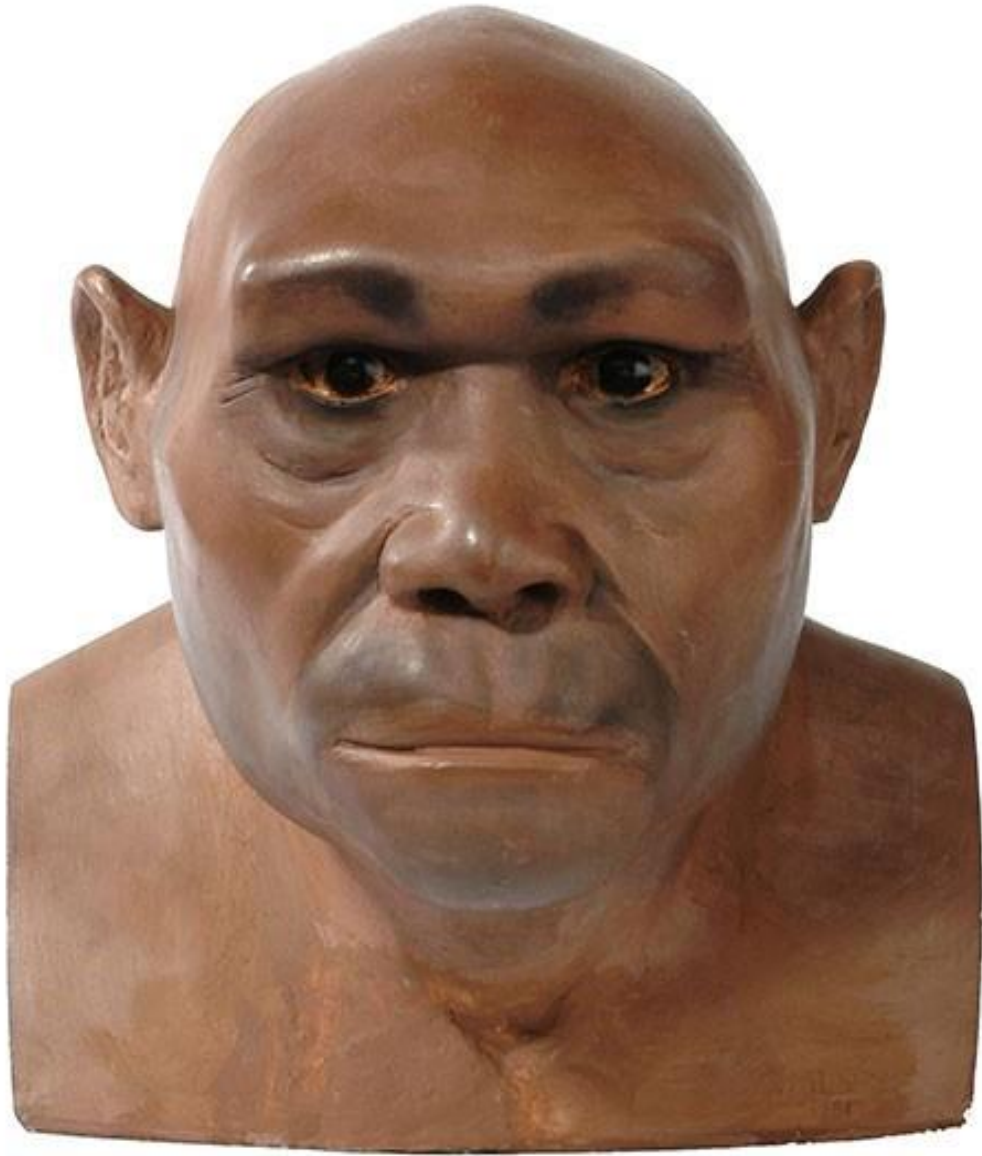
نخستین فسیل آنها در اوایل دهه‌ی ۱۸۹۰ میلادی توسط یوجین دوبیس در استرالیا کنونی کشف گردید.

قد انسان راست قامت معمولا در دامنه ۱٫۲ متر تا ۱٫۸ متر بود و وزن آنها به ۴۰ تا ۶۸ کیلوگرم می‌رسید. قد و وزن آنها با فسیل های پیدا شده در بخش های مختلف دنیا، متفاوت بود.

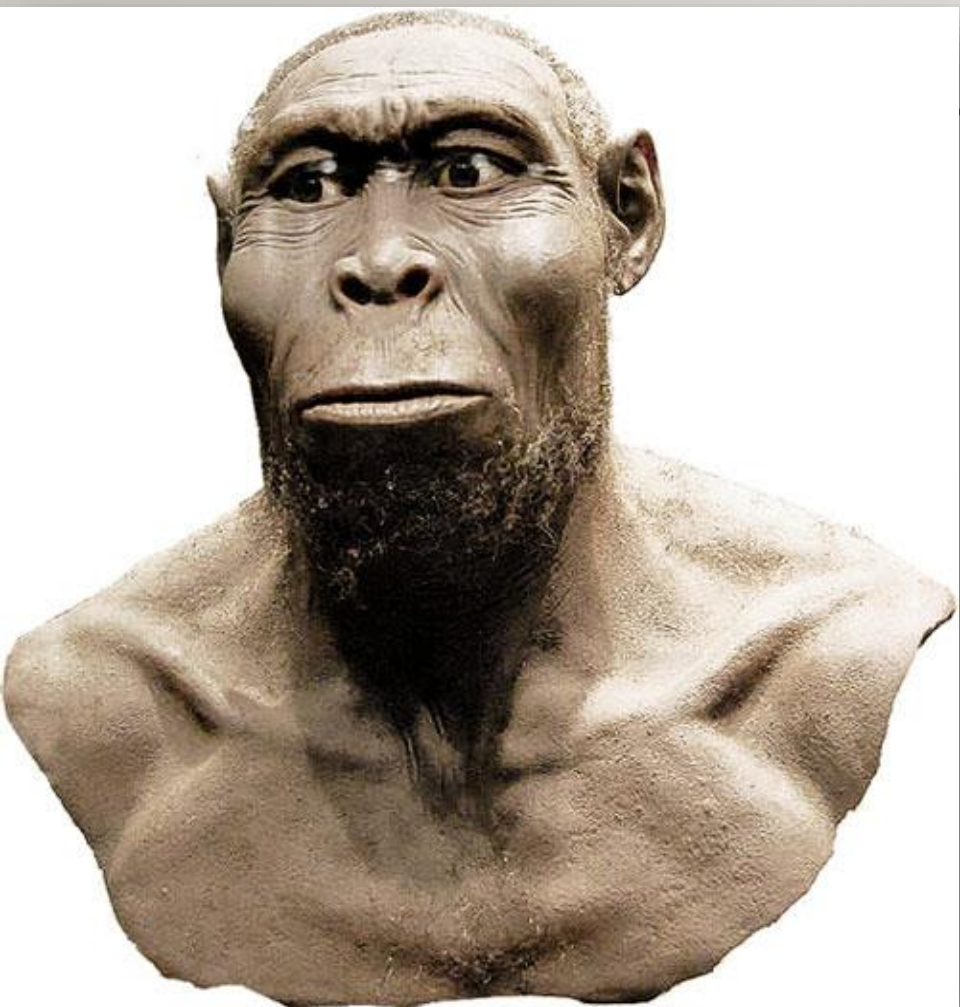
فسیل های متعلق به آفریقا در مقایسه با فسیل های اندونزی، چین و گرجستان دارای اندازه بدنی بزرگتری بودند. پاهای بلند و دست های کوچک در بالا رفتن آسان از درختان و دویدن سریع تر از انسان های امروزی به آنها کمک می کرد.



انسان راست قامت



انسان رودلفی (HOMO RUDOLFENSIS)



محل زیست جغرافیایی: شرق آفریقا

انسان رودولفی یکی دیگر از گونه های منقرض شده ای است که بحث و بررسی های متعددی پیرامون آن صورت گرفته و در دسته "هومونین" جای می گیرد. بر طبق برآوردها، این گونه ها در حدود ۱٫۸ تا ۱٫۹ میلیون سال قبل می زیستند. ساختار فیزیکی آنها به دلیل نبود فسیل های مجمله همانند وزن و قد نامعلوم است. تیم تحقیقاتی میلواکی اعلام کرد که چهره و دو استخوان آرواره کشف شده در هشتم آگوست ۲۰۱۲ به این گونه ای انسانی تعلق دارد.

فسیل یافت شده که نام (KNM-ER 1470) را بر آن نهادند، یکی از موضوعات بحث برانگیز بود.

در ابتدا اعلام شد که این فسیل سه میلیون سال قدمت دارد. با این حال، مدت ها بعد این مقدار تصحیح شده و ۱٫۹ میلیون سال قدمت به آن نسبت داده شد. تفاوت مجمله با سایر گونه های هومو هابیلیس (انسان ماهر)، باعث ایجاد گونه جدیدی موسوم به هومو رودلفنر گردید. ویژگی های خاصی را به این گونه بشری نسبت داده اند که نشان می دهد فرقی با سایر گونه های انسانی ندارد، مثل نبود ماهیچه قوی و برآمدگی های مشابه با جنوبی کپی عفاری (گونه های انسانی منقرض که در جنوب شرقی آفریقا زیست می کردند و قائم و ابزار ساز بودند). اما سایر ویژگی های کلیدی گویای آن است که گونه های فوق با سایر گونه های انسانی فرق دارند، چرا که آنان صورتی بسیار کشیده تر داشتند.

انسان هایدلبرگ (HOMO HEIDELBERGENSIS)

محل زیست جغرافیایی: آفریقا

انسان هایدلبرگ در حدود دویست تا هفتصد هزار سال قبل در زمین زندگی می کردند آنان از آفریقا ظهور یافتند. هایدلبرگ مذکر ۱۷۵ سانتی متر قد و ۶۱ کیلوگرم وزن داشت، در حالیکه قد و وزن متوسط جنس مونث به ۱۵۷ سانتی متر و وزن آن به ۵۰ کیلوگرم می رسید.

هایدلبرگ ها مغزی بزرگ با صورتی صاف تر از انسان امروزی داشتند. آنان اولین گونه های انسانی بودند که از قابلیت سازگاری در آب و هوای سرد برخوردار بودند. آنان به خاطر توانایی شان در شکار حیوانات بزرگ معروف بودند که در گونه های انسانی قبل از آنها دیده نشده است. آنان اولین گونه ای بودند که پناهگاه خود را برای زندگی در آن ساختند. نخستین فسیل هایدلبرگ ها در ۲۱ اکتبر ۱۹۰۷ توسط یک کارگر کشف شد. کارگر نیز آن را به پروفیسور اوتو شوتنساک از دانشگاه هایدلبرگ داد، کسی که فسیل را بعدها شناسایی کرده و بر آن نام نهاد.

همه چیز درباره ظاهر و زندگی انسان یخبندان دوره یخبندان قدیم در فلات ایران

هایدلبرگ ها وارد می شوند

آنتالوژی علمی تاریخ معاصر انسان، بیشتر بر این اساس است که حدود ۱۰۰ هزار سال قبل از این تاریخ کنونی، نژاد نیاانسان هایدلبرگ در فلات ایران ظهور کرد. این نیاانسان ها در حدود ۱۰۰ هزار سال قبل از این تاریخ کنونی، نژاد نیاانسان هایدلبرگ در فلات ایران ظهور کرد. این نیاانسان ها در حدود ۱۰۰ هزار سال قبل از این تاریخ کنونی، نژاد نیاانسان هایدلبرگ در فلات ایران ظهور کرد.



نیاانسان هایدلبرگ در فلات ایران ظهور کرد.



انسان هایدلبرگ در فلات ایران ظهور کرد.

قابلیت تکلم

به احتمال قوی این انسان های اولیه فاقد تکلم داشتند. اما این قابلیت تکلم با آن هوی که در انسان امروزی وجود دارد، به دلیل ساختار استخوانی مغز و ساختار حنجره متفاوت است. این تفاوت ها می تواند به دلیل تفاوت در ساختار استخوانی مغز و ساختار حنجره باشد.



ساختار حنجره انسان امروزی.

آیا آنها ناتوان تر بودند؟

بسیار بعید است که انسان های باستانی در این زمان در صورت مواجهه با موجودات وحشی مانند شکارچی بزرگ یا انسان های دیگر، ناتوان تر از انسان امروزی باشند. شکارچی بزرگ در حدود ۱۰۰ هزار سال قبل از این تاریخ کنونی، نژاد نیاانسان هایدلبرگ در فلات ایران ظهور کرد. این نیاانسان ها در حدود ۱۰۰ هزار سال قبل از این تاریخ کنونی، نژاد نیاانسان هایدلبرگ در فلات ایران ظهور کرد.



نیاانسان هایدلبرگ در فلات ایران ظهور کرد.



نیاانسان هایدلبرگ در فلات ایران ظهور کرد.

*Homo
heidelbergensis*

Specimen Nicknames:
Heidelberg Man
Boxgrove Man
Rhodesian Man
Elvis



انسان هایدلبرگ

(HOMO
HEIDELBERGENSIS)



Homo heidelbergensis - male (Rhodesian man)



انسان فلورسی ینسیس (HOMO FLORESINSIS)

محدودهء زمانی: بین ۱۳ هزار تا ۹۵ هزار سال قبل در اندونزی می زیستند.

بر طبق پیش بینی ها، انسان فلورسی قد آنها به ۱٫۰۶ متر می رسید و مغز بسیار کوچکی هم داشتند. شواهدی وجود دارد که نشان می دهد این گونه ها ابزارهای سنگی کوچکی ساخته و از آنها برای شکار فیل های کوچک و جوندگان بزرگ استفاده می کردند. فسیل های اصلی انسان فلورسی در سال ۲۰۰۳ در اندونزی پیدا شده و (ال.بی ۱) نامگذاری شدند. سر جنس مونث این گونه، یک سوم اندازه مغز انسان امروزی بود. احتمالاً بدن کوچک شان شرایط را برای بقا در جزیره ای کوچک با منابع محدود مهیا می ساخت.

هوموسولوئنیسیس (HOMO SOLOENSIS) «انسان دره سولو» در جزیره جاوه اندونزی زندگی می کرد و با شیوهء زیست مناطق استوایی تطابق بیشتری داشت. در جزیره دیگری در اندونزی -جزیره کوچک فلورس- انسانهای اولیه روند کوچک شدن را طی می کردند.

بعد از چندین نسل، انسانهای فلورسی ریزنقش تر شدند. این گونهء بی مانند با نام علمی فلورسی ینسیس (HOMO Floresiensis) قامتی یک متری باوزنی ۲۵ کیلویی که با این حال ابزارهای سنگی می ساخت و گاهی موفق می شد فیل های جزیره را به دام اندازد.

انقراض آخرین گونه انسانی، انسان فلورسی ینسیس. انسان خردمند تنها گونه باقی مانده انسانی است.

FLORESIENSIS



انسان نئاندرتال (NEANDERTHAL)

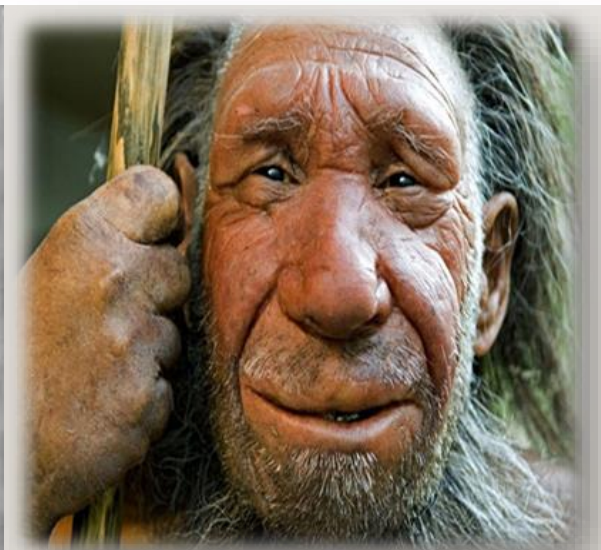
محل زیست جغرافیایی: اروپای مرکزی و غرب آسیا

محدودهء زمانی: ۵۰۰ هزار سال پیش نئاندرتال ها در اروپا و خاور میانه تکامل می یابند.

۳۰ هزار سال پیش: انقراض نئاندرتال ها

نئاندرتال ها از جمله گونه‌های انسانی انقراض یافته هستند که نزدیک ترین شباهت ها را با انسان امروزی داشتند. دی ان ای آنها فقط ۱۲٪ با دی ان ای انسان امروزی فرق داشت. نئاندرتال ها حدود ۳۵ هزار تا ۶۰۰ هزار سال قبل زیست می کردند. محل سکونت آنها اروپا، آسیای مرکزی و جنوب غربی بود. نئاندرتال ها شباهت های فراوانی با انسان های امروزی داشتند. آنان ابزارهای مختلفی را برای شکار استفاده می کردند. آنان اشیای زینتی نمادین هم استفاده می کردند. بر اساس شواهد و قرائن بدست آمده، نئاندرتال ها یاد مردگان خود را با گل گرامی می داشتند. یکی از گونه‌های انسان اولیه چنین رفتار نمادینی داشت. مطالعات نشان می دهد که مغز نئاندرتال ها و مغز انسان های امروزی به هنگام تولد یکسان بود اما مغز آنها در بزرگسالی بزرگتر شد. نئاندرتال ها به پاس فیزیک بدنی بزرگ، از انسان های امروزی قوی تر بودند. جنس مذکر ۱۶۴ تا ۱۶۸ سانتی متر و جنس مونث ۱۵۲ تا ۲۵۶ سانتی متر، بودند.





نئاندرتال ها



یک کاوشگر ایرانی گفت: بیش از ۱۳۰ سال پیش در دره ای به نام نئاندر در دوسلدورف آلمان یک جمجمه ای با ظاهر عجیب پیدا شد که کسی نمی توانست با قطعیت اعلام کند متعلق به انسان است که بعدها اسم آن را نئاندر تال به معنای انسان و دره گذاشتند.

به گزارش گروه اجتماعی خبرگزاری تسنیم، سامان حیدری گوران - کاوشگر مجموعه غار و پناه گاه صخره ای باوه یوان در بخش مرکزی استان کرمانشاه، با بیان اینکه کشف نخستین دندان انسان نئاندرتال در این پناهگاه برای نخستین بار حضور انسان های نئاندرتال در فلات ایران را به اثبات رساند، اظهار داشت: مطالعات بیشتر بر روی مواد باستانی کشف شده از انسان های هوموساپینز (مدرن) و نئاندرتال که نشان می دهد این ها به صورت مشترک در این محوطه زندگی می کرده اند می تواند امتزاج این دو گونه را برای نخستین بار در کرمانشاه ثابت کند. (خبرگزاری تسنیم ۷ آبان ۹۷)

کرمانشاه، سرزمین مشترک انسان های اولیه و هوشمند در ایران

سرپرست هیات باستان شناسی و استاد دانشگاه کمبریج گفت:

براساس تحقیقات و مشاهدات نئاندرتال ها (انسان های اولیه) و هوموساپینس (انسان هوشمند) سالها پیش در محوطه باستانی «باوه یوان» کرمانشاه به صورت مشترک زندگی می کردند.

سامان حیدری گوران روز یکشنبه در نشست خبری افزود:

بر این اساس، احتمال امتزاج و خویشاوندی نئاندرتال ها و هوموساپینس ها که در دنیا اتفاق افتاده باشد، می رود که اگر این موضوع ثابت شود در دنیا اتفاق بزرگی رخ داده است. انسان های اولیه به گفته وی، مباحث تخصصی و تجزیه و تحلیل های آماری از نئاندرتال ها و هوموساپینس ها و دلایل از بین رفتن نئاندرتال ها اکنون در دنیا بسیار داغ است.

گوران گفت: با توجه به احتمال حضور نئاندرتال ها در فلات ایران بر مبنای کشفیات پیشین و اثرات زندگی این انسان ها در آسیای مرکزی و تاجیکستان از جمله ۱۱ اسکلت در کردستان عراق، اولین پژوهش ها در سال ۸۹ و ۹۰ آغاز شد و برای اینکه بتوانیم به نتیجه برسیم آرام آرام شروع به مطالعه زیست و کاوش ها تا عمق چهار متری در منطقه «ناودرمن» به معنای (منطقه محصور شده بین کوهستان) در ۴۰ کیلومتری

کرمانشاه شد. (ایرنا ۷ آبان - [HTTP://WWW.ION.IR/NEWS/42158497](http://www.ion.ir/news/42158497))

انسان خردمند ۱ (HOMO SAPIENS)

محدودهء زمانی: ۲۰۰ هزار سال پیش انسان خردمند در شرق آفریقا تکامل می یابد.



انسان خردمند اجداد انسان های امروزی اند. اکثر گونه هایی که روزی بر روی زمین زندگی می کرده اند، در اثر تغییرات آب و هوایی منقرض شدند. با این حال، انسان خردمند با یکدیگر زندگی کرده و به شکار می پرداختند.

میزان سازگاری آنها تا حدی بود که می توانستند با بسیاری از تغییرات رخ داده در زمین مقابله کنند. آنها علاوه بر شکار، به پرورش گیاهان و حیوانات پرداختند که تاریخ را تا ابد دستخوش تغییر قرار داد. به محض تقویت مهارت‌ها در تولید غذای بیشتر، انواع مختلفی از گیاهان و گوشت حیوانات به سبد غذایی آنها افزوده شد. توانایی آنها در کنترل آتش و زندگی در گروه‌های بزرگتر، مفهوم پناهگاه های بهتر را پدید آورد.

دانشمندان فسیل های متعددی یافته بودند که نشان از وجود انسان خردمند دارد. قدیمی ترین فسیل های شناخته شده در هرتوی اتیوپی کشف شدند. محققى از دانشگاه کالیفرنیا موفق به یافتن جمجمه دو بزرگسال و یک بچه شد که به ۴۰ هزار تا ۱۶۰ هزار سال پیش تعلق داشتند. انسانهای خردمند احتمالا شکلی از زبان را برای ارتباط با یکدیگر به کار می بردند. ظاهرا آنان دارای ژنی بودند که نقشی کلیدی در زبان ایفا می کرد. آنان همچنین مردگان خود را دفن می کردند که ایده پیچیده ای به شمار می رود.

انسان خردمند ۲ (HOMO SAPIENS)

۷۰ هزار سال پیش:

ظهور بیان تخیلات. انقلاب شناختی. آغاز تاریخ. انسان خردمند از آفریقا بیرون می آید و روی زمین پراکنده می شود.



انسان «انسان خردمند» یک پستاندار از نوع دوپا و از خانواده انسان ساین است، انسان ها بسیار باهوش هستند.

آرایه شناسی

فرمانرو:	جانوران
شاخه:	طنابداران
رده:	پستانداران
راسته:	نخستی سانان
تیره:	انسانیان
تبار:	انسان تباران
سرده:	انسان
Species:	انسان دانا
Subspecies:	انسان دانای دانا

نام علمی: HOMO SAPIENS

نام سه جمله ای:

HOMO SAPIENS SAPIENS

مدارک به دست آمده دی ان ای انسان نشان می دهد که انسان خردمند حدود ۲۰۰،۰۰۰ سال پیش از آفریقا سرچشمه گرفته است، در حدود ۵۰،۰۰۰ سال پیش تغییرات زیادی در رفتار او پدید آمد و در همان زمان آغاز به مهاجرت کرد. انسان خردمند با دیگر انسان تباران بچه دار شده اند و این باعث شد به رغم انقراض سه گونه دیگر انسان تباران، دی ان ای آن ها همچنان در انسان خردمند موجود باشد. انسان خردمند حامل دی ان ای انسان تبار دنیسووا، انسان نئاندرتال و گونه ای دیگر که هنوز شناسایی نشده می باشد. افرادی که دارای تبار غیر آفریقایی هستند بین ۲ تا ۴ درصد دی ان ای نئاندرتال ها را دارا هستند، ۳ تا ۴ درصد دی ان ای بومیان ملانزی متعلق به انسان تبار دنیسووا است و دی ان ای گروهی از شکارچی-گردآورنده آفریقایی متعلق به گونه ای است که هنوز شناسایی نشده است.

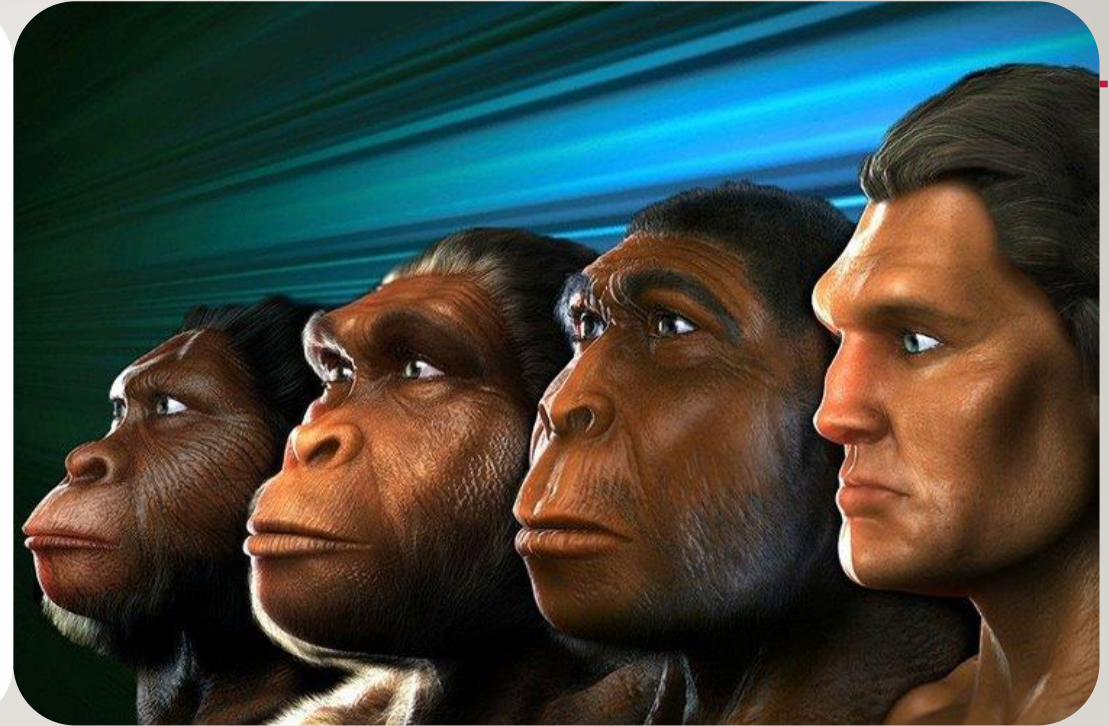
این انسان ها هوش بالا، توانایی تجزیه و تحلیل، زبان سخن گفتن، درون گرایی و احساسات داشتند. این استعدادها همراه با یک بدن راست قامت با توانایی راه رفتن و بازوان آزاد برای گرفتن اشیاء، انسان ها را به رفتن سفرهای طولانی (مانند مهاجرت) و استفاده از ابزارها توانا ساخت. این انسان ها با مهاجرت تقریباً در تمامی نقاط جهان به جز نواحی غیرقابل سکونت (مانند جنوبگان) ساکن شده اند. اما از قرن بیستم میلادی وسعت سکونت انسان ها به جنوبگان (توسط پایگاه های دائمی)، دریاها (توسط سکوها) و مدار زمین (توسط ایستگاه فضایی بین المللی) افزایش یافته است. نسان ها موجوداتی اجتماعی هستند و نمی توانند تنها زندگی کنند. همه انسان ها به هم نیاز دارند و در کارها به یکدیگر کمک می کنند.

جمعیت انسان ها در زمین در سال ۲۰۱۹ میلادی به ۷ میلیارد و ۷۶۶ میلیون نفر رسید و هم اکنون نیز در حال افزایش است.

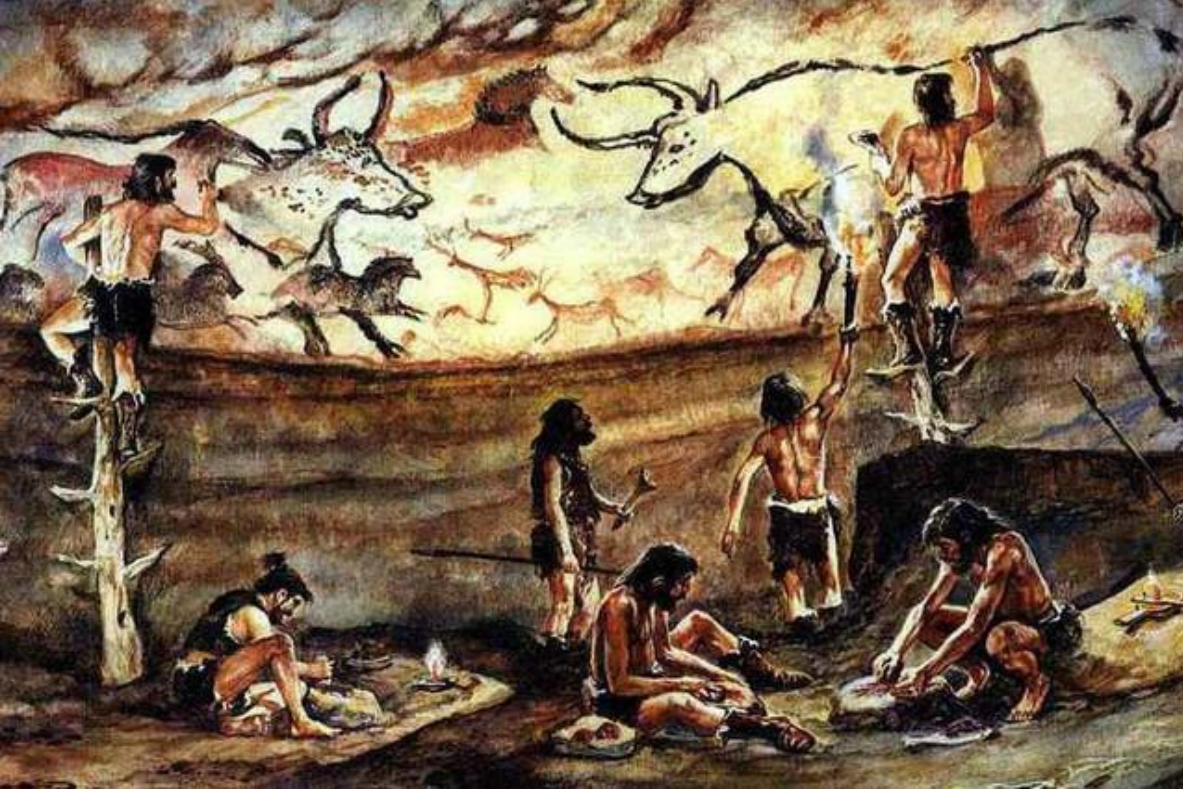
از ۴۵ هزار سال پیش: انسان خردمند در استرالیا مستقر می شود.

۱۶ هزار سال پیش: انسان خردمند در امریکا مستقر می شود.

۲/۵ میلیون سال پیش: تکامل انسان در افریقا. اولین ابزارهای سنگی.



۳ میلیون سال پیش: انسان از افریقا به اوراسیا می رود. تکامل گونه های مختلف انسانی.



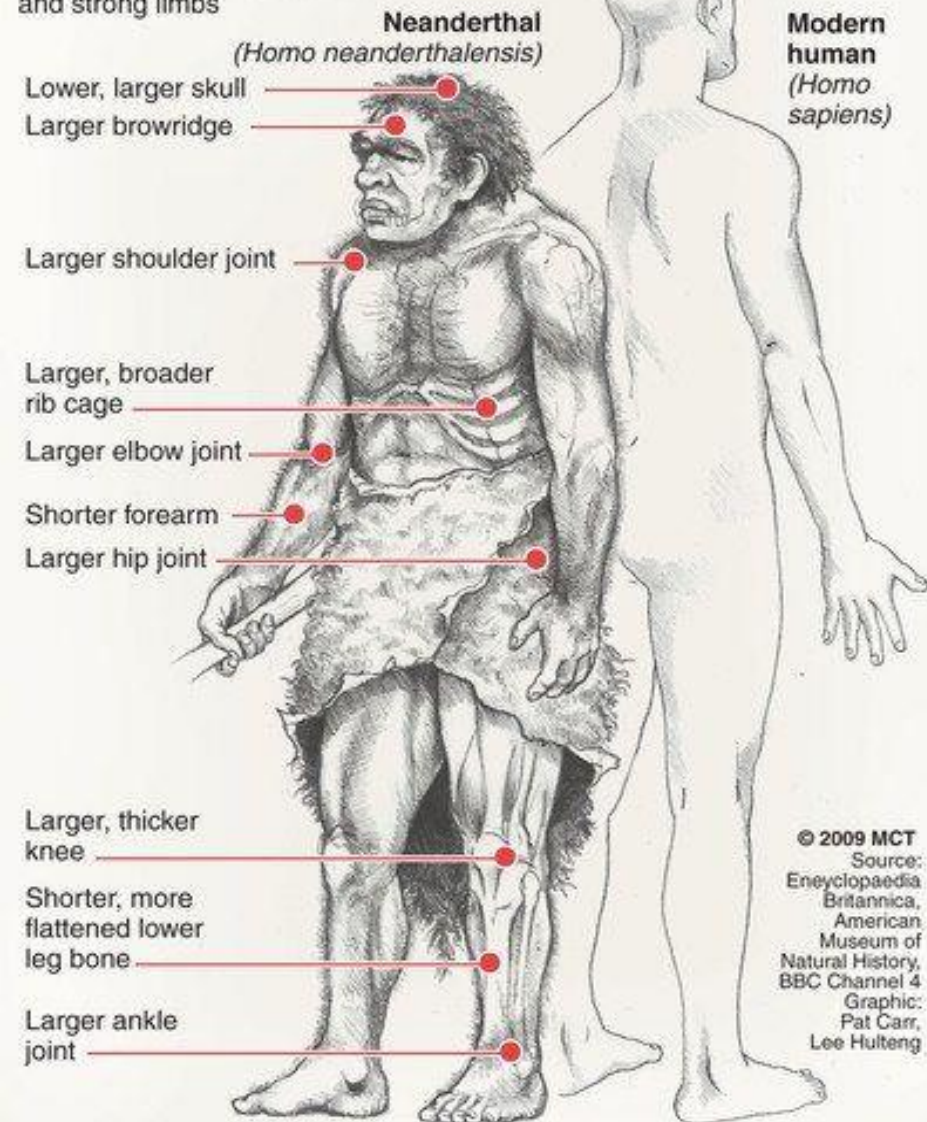
• تئوری وراچی

Neanderthals and humans

Anthropologists announced they have created a complete Neanderthal genome using ancient DNA samples. Neanderthals, the closest ancestor to modern humans, became extinct over 30,000 years ago.

How they compare to us

Fossil evidence suggests that Neanderthals were muscular, with broad shoulders and strong limbs



تفاوت دیگر گونه های انسانی با انسان خردمند

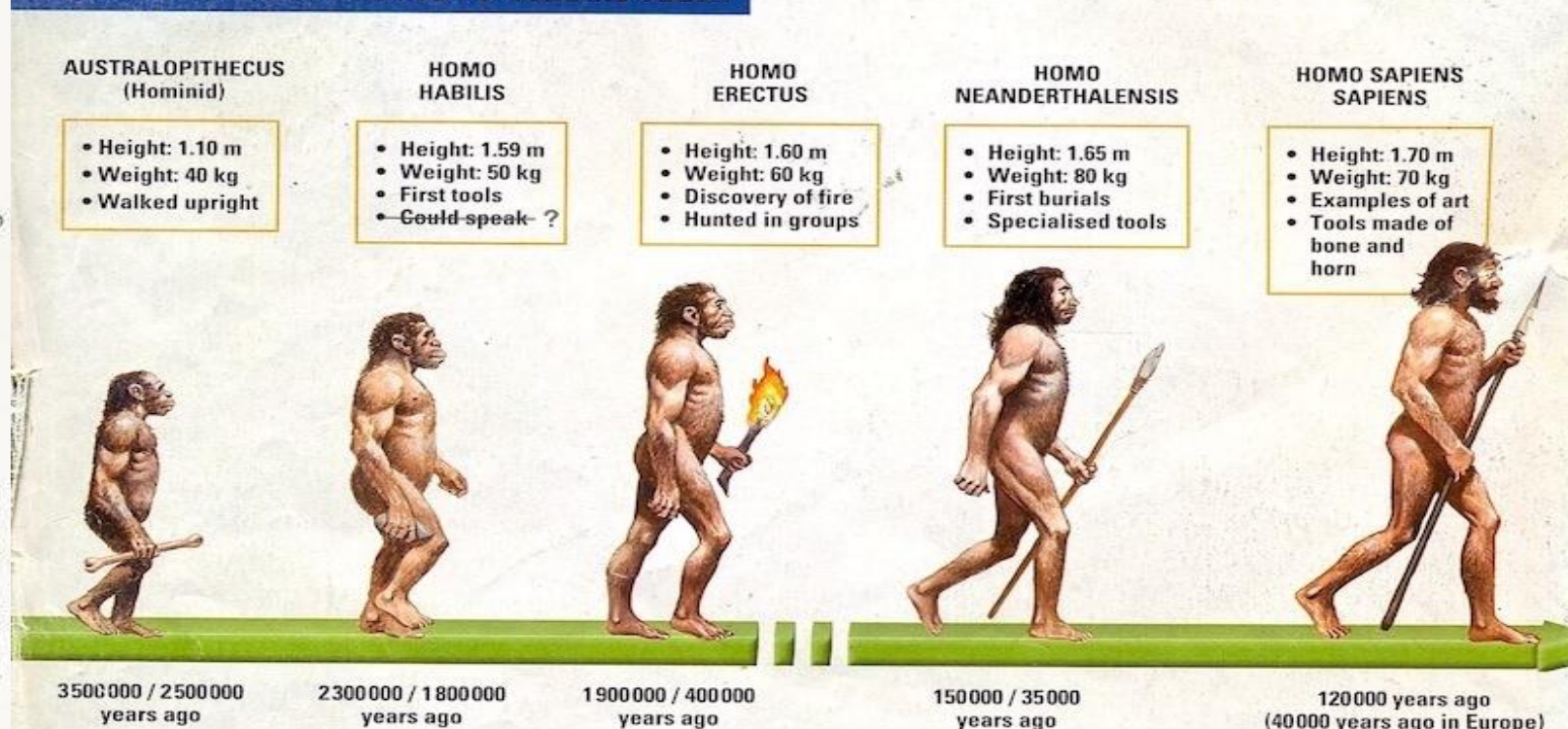
انسان در اروپا و غرب آسیا به هومو نئاندرتال نیسیس «انسان دره نئاندر» تبدیل شد.

نئاندرتال ها درشت ترو عضلانی تر از انسانهای خردمند بودند، با سرمای اوراسیای غربی در عصر یخبندان کاملا سازگاری پیدا کردند.

مناطق شرقی تر آسیا را هومو ارکتوس (انسان راست قامت) اشغال کرد که ۲ میلیون سال در آن مناطق باقی ماند و به این ترتیب بادوام ترین نوع انسان تا کنون بوده است.

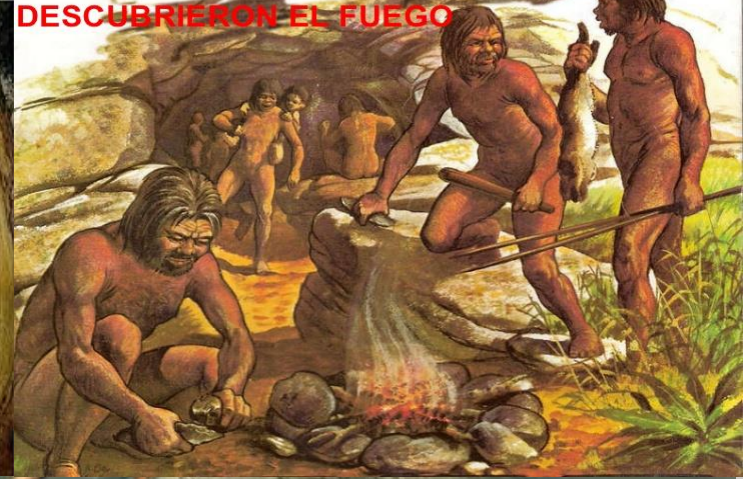
در سال ۲۰۱۰ محققان در طی حفاری در غار دنیسوا در سیبری با کشف فسیل استخوان یک انگشت گونه دیگری از انسان را از فراموشی درآوردند. این گونه ناشناخته انسان دنیسوا (HOMO DENISOVA) نام گرفت. در حالی که این انسانها در اروپا و آسیا تکامل می یافتند، تکامل در شرق آفریقا متوقف نشد و انسان گونه های جدیدی را در خود پرورید مثل هومو رودلفنسیس، هومو ارگاستر (انسان کارگر) و سرانجام گونه خود ما انسان خردمند.

FROM AUSTRALOPITHECUS TO HUMANS TODAY

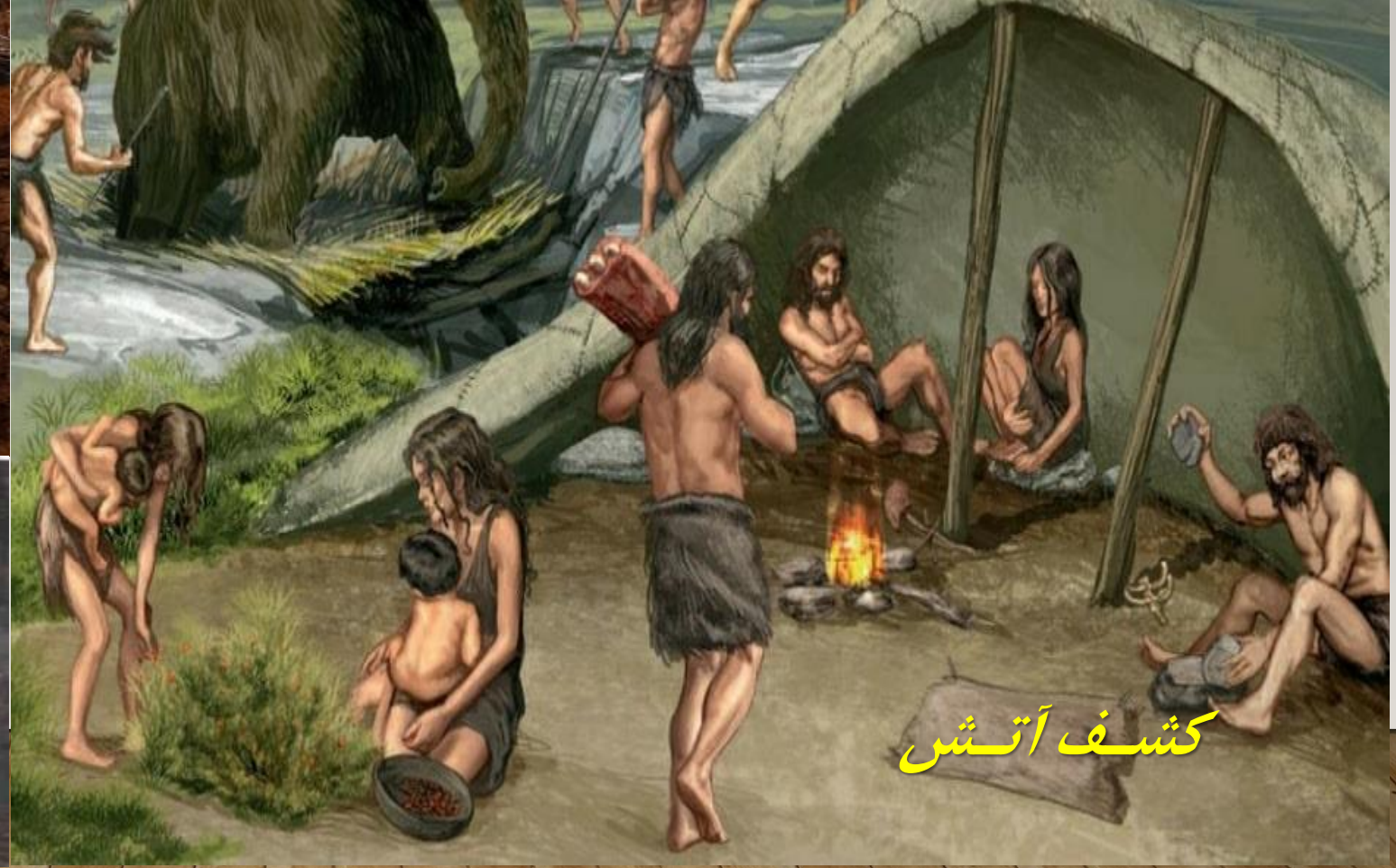


شکارگری انسان



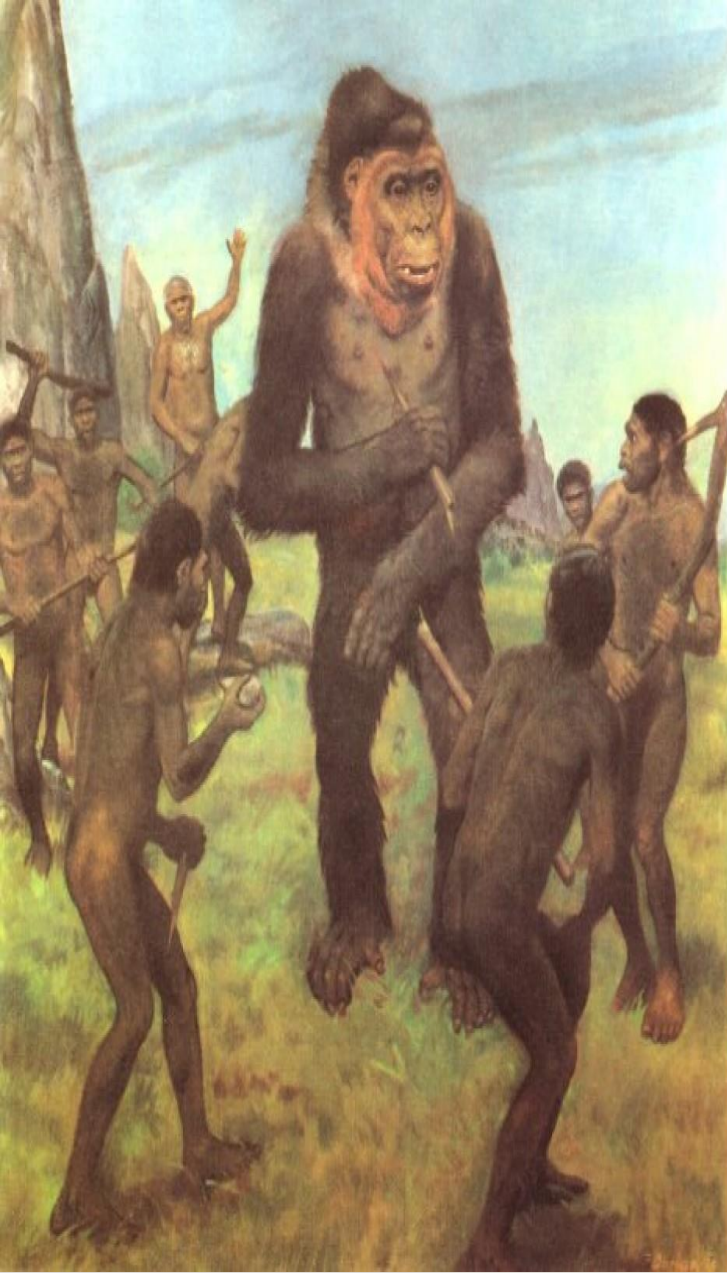


DESCUBRIERON EL FUEGO



کشف آتش

نبرد بین گونه های انسانی
و پیروزی انسان خردمند





• بشر اندیشه ورز و تفاوت آن با دیگر انواع.

* مختصات خاص بشر امروزی.

* چگونگی شکل گیری اندیشه در انسان.

جلسه دوم

۵ هزار سال پیش: اولین پادشاهی ها. ایجاد خط و پول. ادیان چند خدایی
۴۲۵۰ سال پیش: اولین امپراطوری - امپراطوری اکد به رهبری سارگون



جلسه دوم



انسان چه در عصر حاضر چه در گذشته، آغاز تفکرات فلسفی خود را مدیون **حیرت** خویش است. او نخست از رویدادها و مسائل آشکار و بدیهی، **شگفت زده** می شد و سپس به تدریج پیشرفت کرد و به مسائل مهمتر و بزرگتر، مانند پدیدهء ماه و خورشید و ستارگان و نیز پیدایش و تکوین کل جهان هستی پرداخت.

کسی که گیج و شگفت زده است، خود را ناآگاه و غافل می پندارد (به همین دلیل کسی که شیفتهء **اسطوره** است، خود به گونه ای **عاشق خرد** نیز هست، زیرا **اسطوره** هم نیز از **شگفتی پدید می آید**) بنابراین چون انسان برای فرار از ناآگاهی، به تفکرات فلسفی پناه برد، مسلم است که به خاطر دانستن، به دانش روی می آورد، نه برای پیروی از اهداف منفعت طلبانه... چون همانطور که گفتیم، همهء افراد بشر، با **حیرت** در مورد **ماهیت اشیاء** شروع کردند...

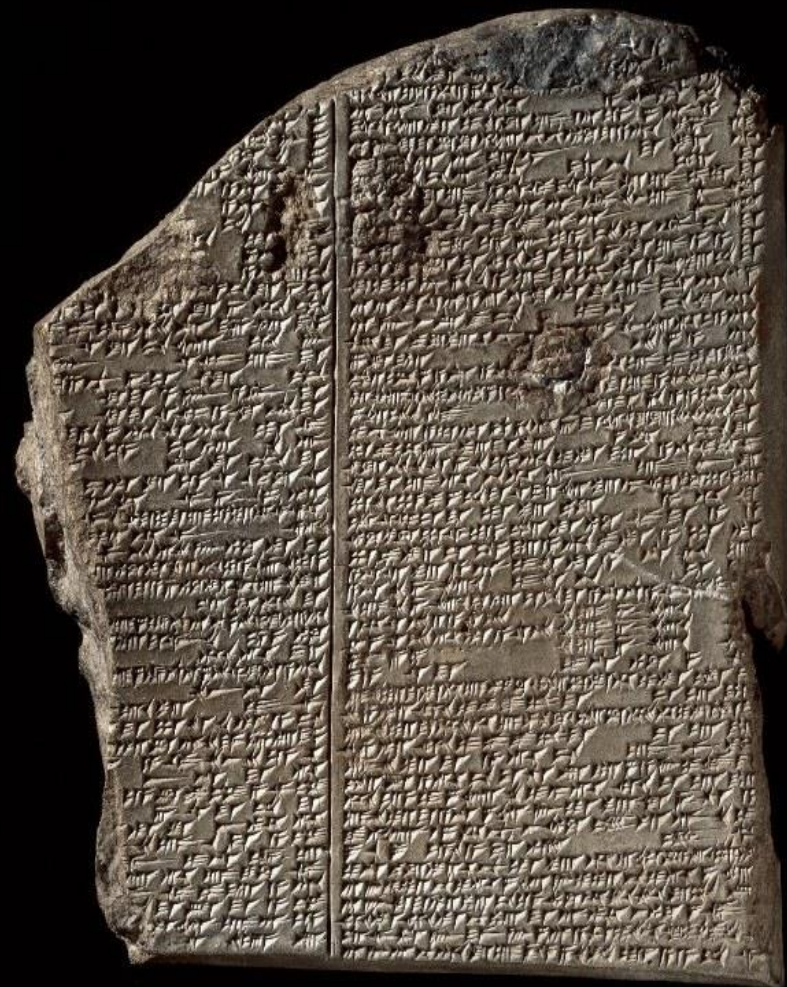
(ارسطو؛ متافیزیک؛ کتاب یکم آلفای بزرگ، فصل دوم ۹۸۲ب۱۱-۱۲ و ۱۹۸۳ ۱-۵ ترجمه شرف الدین خراسانی؛ نشر گفتار ۱۳۶۶- با کمی تلخیص و تسهیل)

جلسه دوم

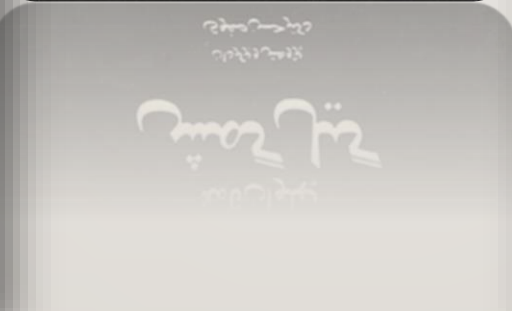
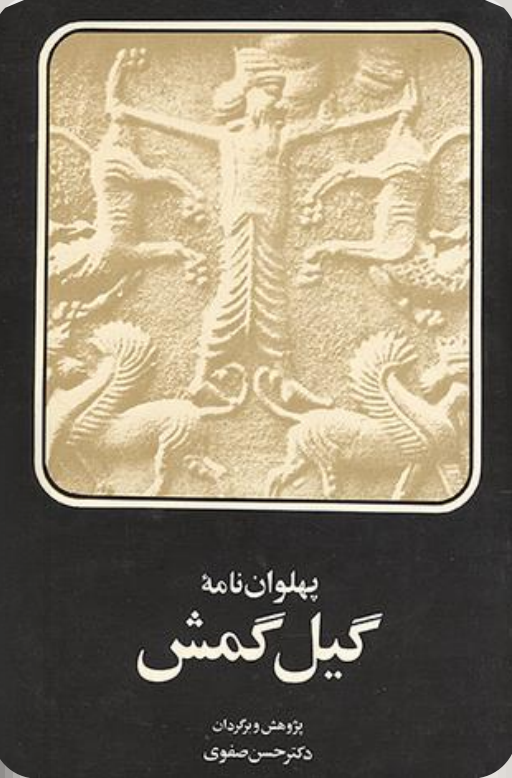
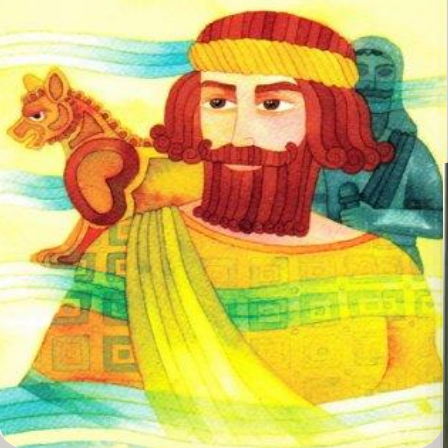
بررسی اندیشه های فلسفی بین النهرین ۱

* در سومر و بابل.

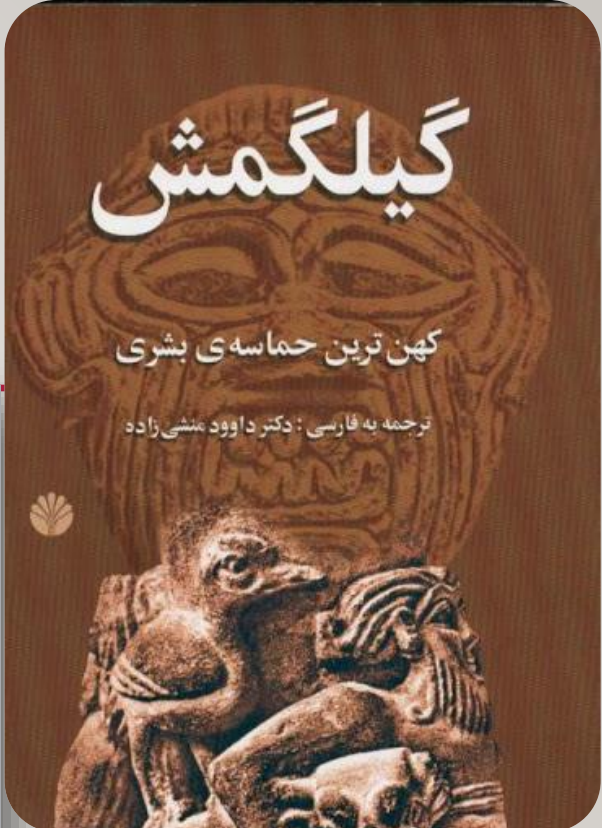
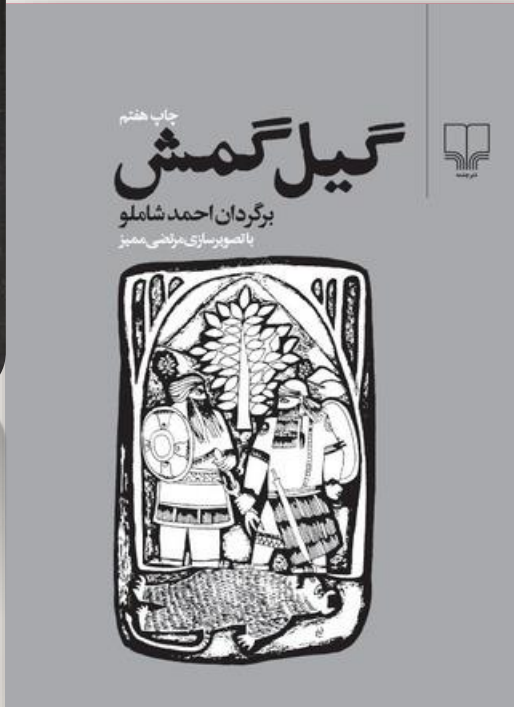
* حماسه اسطوره گیلگمش



تصویر نسخه اکدی گیلگمش



نسخه های مختلف ترجمه
گیلگمش



کامل ترین متن موجود از «**حماسه گیلگمش**»، روایاتی است که بر الواحی از خشت پخته نگاشته شده و ضمن کاوش در بقایای کتابخانه «آشور بانی پال»، پادشاه آشور و در ویرانه های معبد نبو در نینوا به دست آمده است.

این مجموعه مشتمل بر ۱۲ لوح یا سروده بوده که هر کدام دارای ۶ ستون پلکانی شعر و در مجموع ۳۰۰ سطر است، مگر آخرین لوح آن که الحاقی و به وضوح از یازده لوح قبلی کوتاه تر است. این اثر ادبی برجسته در مجموع ۳۴۶۰ سطر دارد و تلفیقی است از اسطوره، حماسه و تاریخ. گیلگمش یکی آثار حماسی ادبیات دوران تمدن باستان است که قدمت آن به چهار هزار سال می رسد. متن اصلی حماسه به زبان های میخی تمدن های باستان است که به زبان های گوناگون اروپایی ترجمه شده است. حماسه گیلگمش با ذکر کارها و موفقیت های قهرمان آن آغاز می شود، به نوعی که مردی بزرگ در عرصه دانش و خرد معرفی می شود.

گیلگمش، از لحاظ تاریخی پنجمین پادشاه از نخستین سلسله سلطنتی سومر است که قریب به ۱۲۵ سال بر سومریان حکمرانی کرد. بنا به یک قول، گیلگمش در حدود ۲۸۵۰ سال قبل از میلاد پادشاهی کرده است و قولی دیگر دوران او را به ۱۵۰۰ سال قبل از هومر، تخمین می زند. اما تقریباً به طور قطع می دانیم که گیلگمش در حدود ۲۶۰۰ ق.م یکی از فرمانروایان شهر «اوروک» بوده است.

بنا به روایات، در آن زمان به سبب خواب پدر بزرگ، زنان از زاییدن منع می شوند. اما مادر گیلگمش، با وجود همه سختگیری ها مخفیانه فرزندش را به دنیا می آورد. با یادآوری داستان تولد حضرت موسی و کوروش، گویا در داستان تولد قهرمانانی که تقدیر است بعدها دیکتاتور حاکم را از بین ببرند، چنین موضوعی دیده می شود.

نگهبان نوزاد را از برج به پایین می اندازد، اما عقابی او را می گیرد و نگهبان باغ او را بزرگ می کند. او در «اوروک» که پیرامونش را حصار در بر گرفته و در دل طبیعت و به صورت غیر عادی رشد می کند، از این رو در دوران بلوغ، رفتاری تندخویانه و البته نیرویی مافوق طبیعی دارد. گیلگمش پادشاهی مستبد و پهلوان بود. او که نیمه آسمانی است دو سوم وجودش ایزدی و یک سومش انسان گونه است.

دو جنبه زمینی و خدایی داشت؛ جنبه خدایی وجودش از مادر و جنبه زمینی وجودش از کاهنی از کولاب ناشی می شد. پنجمین پادشاه اوروک پس از طوفان. معماری بزرگ و داوری در میان مردگان جهان زیرزمینی بود.

مردم از رفتار او نزد خدایان شکایت کردند و آنو به الهه ارورو (مادر خدایان) فرمان داد تا مردی بیافریند که حریف و همورد او باشد.

بدین گونه انکیدو خلق شد؛ مردی وحشی که با وحش می زیست، گیلگمش به کمک شکارچی او را اهلی کرد و پس از نبردی کوتاه

با او دوست شد. سپس با هم به جستجوی هومییا (نگهبان جنگل) رفتند و او را کشتند. در بازگشت به اوروک، ایشتار، عاشق گیلگمش شد؛

اما گیلگمش به او پاسخ منفی داد و... گیلگمش در سفری طولانی در جستجوی جاودانگی برمی آید، سپس خسته شده به خانه بازمی گردد

و شرح رنجش هایش را بر کتیبه ای ثبت می کند.



خلاصه‌ی حماسه گیلگمش بر اساس نسخه‌ی مرجع آکدی

لوح ۱ اهالی اوروک به درگاه خدایان شکایت زورگویی گیلگمش را می‌برند. خدایان به اورو می‌گویند که مردی زورمند بیافریند تا با گیلگمش مبارزه کند و اوروک در آسایش باشد. اورو، انکیدو را از خاک می‌آفریند. انکیدو در دشت‌ها با حیوانات زندگی می‌کند. یک صیاد که انکیدو دام‌هایش را می‌رماند، راهبه شادی را به دشت می‌آورد تا انکیدو را از این کار بازدارد. انکیدو با او معاشقه می‌کند.

لوح ۲ راهبه‌ی شادی انکیدو را به نزد چوپانان می‌برد. مردی از آنجا گذر می‌کند و زورگویی‌های گیلگمش را برای انکیدو شرح می‌دهد. انکیدو خشمگین به اوروک می‌رود و با گیلگمش مبارزه می‌کند. گیلگمش پشتش را می‌خواباند و او را دوست خود می‌خواند. سپس به او می‌گوید که به همراهی هم، به جنگ هومبه‌به، دیو جنگل سدر خدایان بروند.

لوح ۳ پیرسالان به گیلگمش نصیحت‌هایی برای این سفرش می‌کنند. نین‌سون، مادر گیلگمش برای او دعا می‌کند و از انکیدو می‌خواهد که از پسرش محافظت کند.

لوح ۴ گیلگمش و انکیدو به سوی جنگل سدر خدایان به راه می‌افتند. گیلگمش پنج خواب می‌بیند و انکیدو آن‌ها را به پیروزی تعبیر می‌کند. وقتی به آستانه جنگل سدر می‌رسند، انکیدو هراسان می‌شود و گیلگمش او را دلداری می‌دهد و وارد جنگل می‌شوند.

لوح ۵ با هومبه‌به مبارزه می‌کنند و گیلگمش با سه ضربه سرش را جدا می‌کند و سپس درختان جنگل سدر را می‌کوبند و می‌کنند.

لوح ۶ ایشتر به گیلگمش می‌گوید که معشوق او باشد، ولی گیلگمش عشق او را نمی‌پذیرد. ایشتر نر گاو آسمانی را در اوروک رها می‌کند. نر گاو به ویرانی اوروک می‌پردازد و انکیدو و گیلگمش با هم او را می‌کشند. سپس انکیدو خوابی می‌بیند و برای گیلگمش تعریف می‌کند.

لوح ۷ انکیدو خواب دیده که خدایان برای مجازات گناهان گیلگمش و انکیدو (کشتن هومبه‌به، نابود کردن جنگل سدر و کشتن نر گاو آسمانی) تصمیم گرفته‌اند که انکیدو باید بمیرد. انکیدو صیاد و راهبه شادی را که او را از زندگی در دشت به در آورده‌اند، نفرین می‌کند. انکیدو بار دوم خواب می‌بیند که مردی او را به دنیای زیرین می‌برد و گیلگمش او را یاری نمی‌کند. انکیدو دوازده روز در بستر بیماری می‌افتد.

لوح ۸ انکیدو می‌میرد و گیلگمش بر مرگش مویه می‌کند و دستور می‌دهد تندیزی از او بسازند.

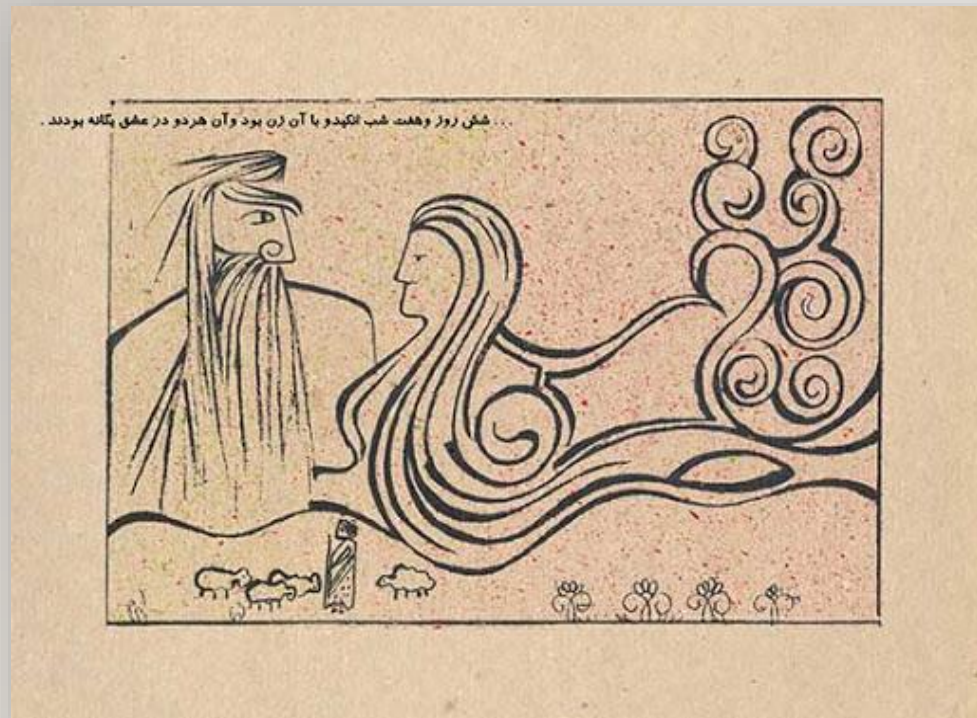
لوح ۹ گیلگمش اندوهگین از مرگ انکیدو، راهی جایگاه اوت‌ه‌نه پیشتیم (تنها انسانی که توانسته به جاودانگی برسد) می‌شود تا راز جاودانگی را از او بیاموزد. به دو کوه می‌رسد که معبر آفتاب اند. دو نگهبان کوه که مانند کژدم هستند، راه را نشان می‌دهند. او وارد ظلمات شده و آن سوی ظلمات باغی می‌بیند که برگ‌هایش از لاجورد و میوه‌هایش از عقیق است.

لوح ۱۰ گیلگمش با سی‌دوری‌سابت ملاقات می‌کند و از جایگاه اوت‌ه‌نه پیشتیم می‌پرسد. سی‌دوری‌سابت اورشه‌نی، کشتیبان اوت‌ه‌نه پیشتیم را به او می‌نماید. گیلگمش با کشتی او به جایگاه اوت‌ه‌نه پیشتیم می‌رسد و ماجرای خود را برایش می‌گوید. اوت‌ه‌نه پیشتیم می‌گوید مرگ تقدیر گریزناپذیر انسان است.

لوح ۱۱ گیلگمش از راز جاودانگی اوت‌ه‌نه پیشتیم می‌پرسد. اوت‌ه‌نه پیشتیم ماجرای طوفان بزرگ را تعریف می‌کند. در زمان طوفان بزرگ، او به دستور اآ کشتی‌ای ساخت و یک جفت از هر حیوانی در آن گذاشت. وقتی خدایان از زنده بودن او مطلع شدند، او و جفتش را در شمار خدایان قرار داده و ساکن آن سوی دریا کردند. آن گاه اوت‌ه‌نه پیشتیم جای گیاه جاودانگی را بر گیلگمش آشکار می‌کند و گیلگمش آن را می‌یابد؛ ولی وقتی به شست‌وشوی خود مشغول است، ماری آن را می‌خورد و گیلگمش دست خالی به اوروک بازمی‌گردد.

لوح ۱۲ این لوح ارتباطی با حماسه ندارد. گیلگمش انکیدو را برای بازگرداندن چیزی به دنیای زیرین می‌فرستد و به او توصیه‌هایی می‌کند تا بتواند برگردد. اما انکیدو به توصیه‌های گیلگمش عمل نمی‌کند و در دنیای زیرین گرفتار می‌شود. گیلگمش از خدایان طلب یاری می‌کند و اآ اجازه می‌دهد که روح انکیدو بالا بیاید. انکیدو احوال دنیای زیرین را برای گیلگمش بازمی‌گوید.

لوح ۱ اهالی **اوروک** به درگاه خدایان شکایت زورگویی **گیلگمش** را می‌برند. خدایان به **ارورو** می‌گویند که مردی زورمند بیافریند تا با گیلگمش مبارزه کند و **اوروک** در آسایش باشد. **ارورو**، **انکیدو** را از خاک می‌آفریند. انکیدو در دشت‌ها با حیوانات زندگی می‌کند. یک صیاد که انکیدو دام‌هایش را می‌رماند، راهبه شادی را به دشت می‌آورد تا انکیدو را از این کار بازدارد. انکیدو با او معاشقه می‌کند.

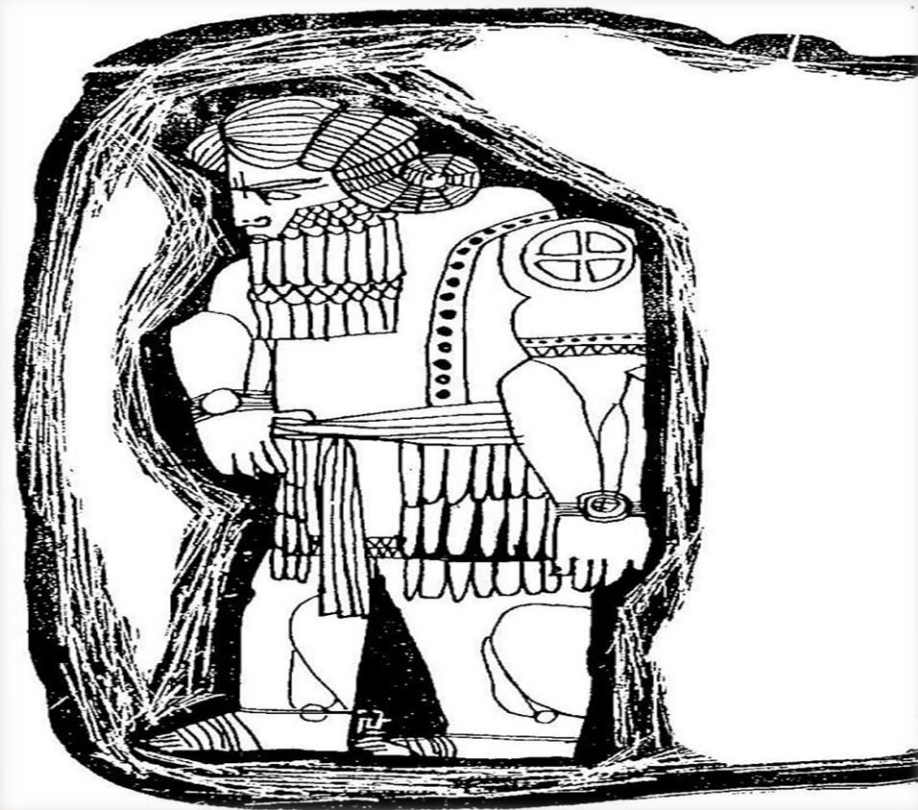


لوح ۲ راهبه‌ی شادی انکیدو را به نزد چوپانان می‌برد. مردی از آنجا گذر می‌کند و زورگویی‌های گیلگمش را برای انکیدو شرح می‌دهد. انکیدو خشمگین به **اوروک** می‌رود و با گیلگمش مبارزه می‌کند. گیلگمش پشتش را می‌خواباند و او را دوست خود می‌خواند. سپس به او می‌گوید که به همراهی هم، به جنگ **هوم‌بیا**، دیو جنگل سدر خدایان بروند.



▲ مردم سومر در نتیجه ظلم‌های گیلگمش، نزد خدای آسمان، آتو دعا کردند و از او خواستند که جلوی گیلگمش را بگیرد. آتو از آرورو، مادر خلقت خواست که یک شخص دیگر مانند گیلگمش را خلق کند. نیمه دوم آتو را، آتو از آرورو خواست که یک قهرمان جدید خلق کند و بگذارد آنها قدرت یکدیگر را ختنی کنند. اما نهایتاً گیلگمش و قرد جدید با تمام انکیدو، بعد از جنگ، با هم مانند برادر دوست شدند. این یعنی لویاتان را نمی‌توان از بالا کنترل کرد.

لوح ۳ پیرسالان به گیلگمش نصیحت‌هایی برای این سفرش می‌کند.
نین سون، مادر گیلگمش برای او دعا می‌کند و از انکیدو می‌خواهد که از پسرش محافظت کند.



لوح ۴ گیلگمش و انکیدو به سوی جنگل سدر خدایان به راه می افتند. گیلگمش پنج خواب می بیند و انکیدو آن ها را به پیروزی تعبیر می کند. وقتی به آستانه جنگل سدر می رسند، انکیدو هراسان می شود و گیلگمش او را دلداری می دهد و وارد جنگل می شوند.

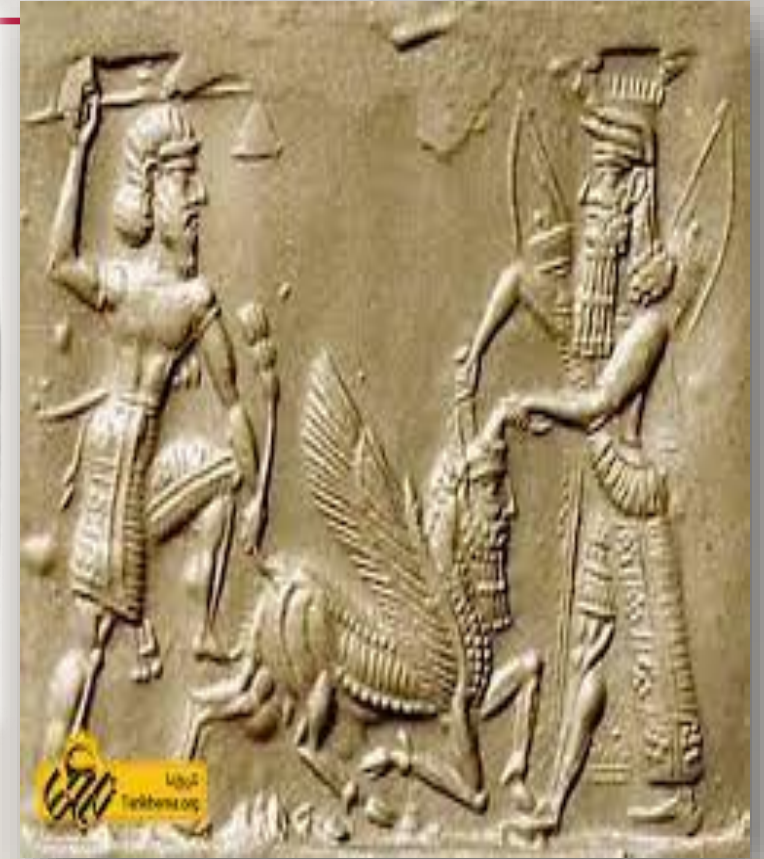


لوح ۵ با هوم بیا مبارزه می کنند و گیلگمش با سه ضربه سرش را جدا می کند و سپس درختان جنگل سدر را می کوبند و می کنند.



هوم بیا، به انگلیسی: (Humbaba) یا در بعضی نسخ خومبه به به انگلیسی: (Xumbaba) که تلفظ قدیمی ترش هووه وه به انگلیسی: (Huvava) است. موجود روحانی طبیعت. شاید خدای آناتولی، عیلامی یا سوری بوده باشد. در اساطیر اکدی، غولی مخوف و کهنسال و مخلوق شمس، خدای خورشید بود. هوم بیا نگهبان جنگل سدر خدایان بود و به علت گناهان فراوان به دستور شمس و به دست گیلگمش و انکیدو کشته شد.

لوح ۶ ایستر به گیلگمش می گوید که معشوق او باشد، ولی گیلگمش عشق او را نمی پذیرد. **ایستر** فرگاو آسمانی را در **اوروک** رها می کند. فرگاو به ویرانی **اوروک** می پردازد و **انکیدو** و گیلگمش با هم او را می کشند. سپس **انکیدو** خوابی می بیند و برای گیلگمش تعریف می کند.



لوح ۷ انکیدو خواب دیده که خدایان برای مجازات گناهان گیلگمش و انکیدو (کشتن هوم ببا، نابود کردن جنگل سدر و کشتن نرگاو آسمانی) تصمیم گرفته‌اند که انکیدو باید بمیرد. انکیدو صیاد و راهبه شادی را که او را از زندگی در دشت به درآورده‌اند، نفرین می‌کند. انکیدو بار دوم خواب می‌بیند که مردی او را به دنیای زیرین می‌برد و گیلگمش او را یاری نمی‌کند. انکیدو دوازده روز در بستر بیماری می‌افتد.



لوح ۸ **انکیدو** می میرد و **گیگمش** بر مرگش مویه می کند و دستور می دهد تندیس از او بسازند.



لوح ۹ گیلگمش اندوهگین از مرگ انکیدو، راهی جایگاه *اوتنایشتیم* _ دور افتاده _ (تنها انسانی که به جاودانگی رسید) می شود تا راز جاودانگی را از او بپرسد. به دو کوه می رسد که معبر آفتاب اند. دو نگهبان کوه که مانند کژدم هستند، راه را نشان می دهند. او وارد ظلمات شده و آن سوی ظلمات باغی می بیند که برگ هایش از لاجورد و میوه هایش از عقیق است.



لوح ۱۰ گیلگمش باسی دوری* ملاقات می کند و از جایگاه اوتنایشتیم می پرسد. سی دوری، اورشه نبی کشتیان اوتنایشتیم را به او می نماید. گیلگمش با کشتی او به جایگاه اوتنایشتیم می رسد و ماجرای خود را برایش می گوید. اوتنایشتیم می گوید: مرگ تقدیر گریزناپذیر انسان است.



* شرابساز روحانی. بر کرانه دریا و در باغ خورشید می زید نام او در زبان هوریان به معنای «زن جوان» است و ممکن است شکلی از ایشتار باشد.

لوح ۱۱ گیلگمش از راز جاودانگی **اوتناپیشتیم** می پرسد. **اوتناپیشتیم** ماجرای طوفان بزرگ را تعریف می کند. در زمان طوفان بزرگ، او به دستور **آ** کشتی ای ساخت و یک جفت از هر حیوانی در آن گذاشت. وقتی خدایان از زنده بودن او مطلع شدند، او و جفتش را در شمار خدایان قرار داده و ساکن آن سوی دریا کردند. آن گاه **اوتناپیشتیم** جای گیاه جاودانگی را بر گیلگمش آشکار می کند و گیلگمش آن را می یابد؛ ولی وقتی به شست و شوی خود مشغول است، ماری آن را می خورد و گیلگمش دست خالی به **اوروک** بازمی گردد.

انکی (به انگلیسی: Enki) یکی از خدایان سومر بود که بعدها در تمدن‌های اکدی و بابل باستان **انا** یا **ئه آ** نام گرفت. او در اصل خدای حامی شهر **اریدو** بود، اما به مرور زمان در سایر فرهنگ‌های بین‌النهرین باستان و در میان کنعانیان و حتی‌ها و هوری‌ها نیز نفوذ کرد.

او خدای صنایع دستی (**gašam**)، شرارت، آب‌ها، آب دریاها، آب دریاچه‌ها (**a, aba, ab**)، هوش (**gestú**) در اصل به معنای **گوش** و خالق (سازنده ابعو و گل تیره و ...) بود.

ئه آ به معنای کسی است که خانه اش بر روی آب بنا شده. **انا** یا **ئه آ** یکی از خدایان سومریان بود که او را خدای اقیانوسها و آب‌های زیرزمینی می‌شناختند. در حماسه **گیلگمش**، ئه آ به **گیلگمش** دانایی بسیار می‌بخشد.

آنا: ناحیه ای مقدس در **اوروک** که وقف **انو** و **ایشتار** است.



THE DELUGE.



لوح ۱۲ این لوح ارتباطی با حماسه ندارد. گیلگمش انکیدو را برای بازگرداندن چیزی به دنیای زیرین می فرستد و به او توصیه‌هایی می کند تا بتواند برگردد. اما انکیدو به توصیه‌های گیلگمش عمل نمی کند و در دنیای زیرین گرفتار می شود. گیلگمش از خدایان طلب یاری می کند و II اجازه می دهد که روح انکیدو بالا بیاید. انکیدو احوال دنیای زیرین را برای گیلگمش باز می گوید...



نگاهی به فلسفه جهان باستان

- فلسفه جهان باستان به کلی ها می پردازد و جهان مدرن به جزئی ها
- چرایی وجود و هستی جهان و انسان — چرایی مرگ و نیستی
- جهان باستان: تولد - آفرینش / ازدواج - باروری / مرگ - فرجام آگاهی
- تولد - مرگ - جاودانگی
- عناصر مشترک اساطیر باستان: عشق و شجاعت ---> دنیای مدرن؟